

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبانشناسی
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان نامهٔ دکتری رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی زبانشناختی متن ختنی بدره‌چریادشنا

استاد راهنما
دکتر مهشید میرفخرایی

استاد مشاور
دکتر محمدتقی راشد محصل

پژوهشگر
فهیمه شکیبا

شهریور ۱۳۹۵

سپاس بیکران از استاد ارجمند خانم دکتر مهشید میرفخرایی که این رساله نتیجه‌ی زحمتهای فراوان ایشان است.

سپاس از استاد مشاور آقای دکتر محمدتقی راشد‌محصل و نیز استادان داور آقای دکتر محسن ابوالقاسمی، آقای دکتر سیروس نصرالله زاده و خانم دکتر گشتاسب که رنج خواندن این رساله را بر خود هموار کردند.

سپاس فراوان از پدر، مادر و برادرم که با صبر خود مرا همراهی کردند و در سختی‌های راه انگیزه‌بخش من بودند.

تقدیم به پدر و مادرم

فهرست مطالب

چکیده.....	۳
۱-پیشگفتار.....	۵
۱-۱-اهمیت شناخت زبان‌ها و فرهنگ ایران باستان.....	۵
۱-۲-تأثیر زبان و فرهنگ ختنی در زبان و فرهنگ ایرانی.....	۶
۱-۳-هدف این پژوهش.....	۷
۱-۴-پیشینه‌ی پژوهش.....	۷
۱-۵-روش کار.....	۸
۱-۶-نشانه‌ها.....	۹
۲-مقدمه.....	۱۱
۲-۱-موقعیت ختن.....	۱۱
۲-۲-نام ختن.....	۱۲
۲-۳-زبان ختنی.....	۱۳
۲-۴-خط متون ختنی.....	۱۴
۲-۵-ادبیات ختنی.....	۱۵
۲-۵-۱-متون ادبی.....	۱۵
۲-۵-۲-متون مذهبی.....	۱۷
۲-۶-وزن شعر در ختنی.....	۱۷
۳-بخش یکم: معرفی متن.....	۲۱
۳-۱-سوتره‌ی گندویوهه.....	۲۱
۳-۲-متن بدره‌چری.....	۲۱
۳-۲-۱-تاریخ متن.....	۲۲
۳-۲-۲-شواهد تاریخی-هنری و کتیبه‌ای.....	۲۴
۳-۲-۳-بدره‌چری و گندویوهه-پیوند دو متن.....	۲۵

- ۲۷.....۴-۲-۳- بدره چری، دارنی
- ۲۸.....۳-۳- متن ختنی بدره چریادشنا
- ۳۳.....۴- بخش دوم: متن ختنی و سنسکریت
- ۳۳.....۴-۱-۱- الفبای ختنی
- ۳۴.....۴-۱-۲- متن ختنی
- ۴۲.....۴-۲-۱- الفبای سنسکریت
- ۴۳.....۴-۲-۲- متن سنسکریت
- ۴۹.....۵- بخش سوم: حرفنویسی و ترجمه‌ی فارسی متن ختنی و سنسکریت
- ۹۷.....۶- بخش چهارم: یادداشت‌ها
- ۱۱۹.....۷- بخش پنجم: واژه‌نامه
- ۱۹۹.....۸- کتابنامه

چکیده

بدره‌چریادشنا نام متنی بودایی مربوط به مکتب مه‌ایانه است که ترجمه‌ی نسبتاً آزادی از متن سنسکریت آن است. متن به زبان ختنی نو نوشته شده و در برخی موارد، چند بند ختنی ترجمه‌ی یک بند سنسکریت بودایی است. این متن از قرن چهارم میلادی به عنوان متنی عبادی به‌طور گسترده میان پیروان مه‌ایانه کاربرد داشته‌است. بدره‌چریادشنا منظوم و در ۶۸ بند تصنیف شده (بند ۵۵ آن اشتباهی ۵۶ شماره‌گذاری شده، بنابراین آخرین بند آن با عدد ۶۹ مشخص شده‌است) و در آن بر شایستگی‌های رفتار نیک و اعتراف به گناه تأکید شده‌است. متن با نام‌های مختلفی در ادبیات بودایی شناخته می‌شود. عنوان بدره‌چریادشنا معمولاً به مطالعات ایرانی آن مربوط است. متن سنسکریت آن با عنوان‌های مختلف از جمله بدره‌چری شناخته می‌شود و مجموع ۶۲ بند را شامل می‌شود. مؤمن معتقد در شمار اول شخص مفرد تمام بوداها را نماز می‌برد و پیمان پرهیزکاری می‌بندد. رسیدن به بیداری را متعهد می‌شود و آرزو می‌کند بودای امیتایوس را ببیند و در سرزمین سوکوتی زایش دوباره یابد. نام بدره‌چریادشنا از آخرین واژه‌ی دستنویس ختنی گرفته شده‌است. متن در میان نسخه‌های مجموعه‌ی پلینو در کتابخانه‌ی ملی پاریس با نام P3513 شناخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان ختنی، بدره‌چریادشنا، سنسکریت، بدره‌چری، مه‌ایانه.

۱- پیشگفتار

۱-۱- اهمیت شناخت زبان‌ها و فرهنگ ایران باستان

شناخت زبان‌ها و فرهنگ ایران باستان نیاز به تجزیه و تحلیل زبان‌های ایرانی و بررسی علمی فرهنگ‌ها دارد. بررسی واژگان و قواعد دستوری زبان‌های ایرانی برای یافتن ویژگی‌های مشترک آن‌ها با زبان‌ها و گویش‌های امروزی بخشی از مطالعات زبان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. تجزیه و تحلیل هر یک از این دو گروه پژوهنده را برای شناخت گروه دیگر یاری می‌کند. در این باره نخست باید ساخت‌های آوایی و دستوری زبان‌های کهن سپس ارتباط یا اختلاف آن‌ها با زبان‌ها و گویش‌ها بررسی شود.

بنابر طبقه‌بندی علمی زبان‌های ایرانی، زبان ختنی در شمار زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی جای دارد. در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی از این زبان مکتوبات زیادی توسط هیئت‌های غربی و ژاپنی در ناحیه‌ی ختن و غارهای هزار بودا، نزدیک دون‌هوانگ^۱، به دست آمد. تاریخ نگارش این آثار عمدتاً از قرن پنجم تا دهم میلادی است. احتمالاً ختنی زبان گروهی از ایرانیان به نام سکاها بوده‌است که حدود قرن دوم پیش از میلاد در منطقه‌ی بلخ، زرنگ (سیستان) و رخج می‌زیستند. سپس قلمروی خود را تا شمال غرب هند گسترش دادند. ختنی‌ها احتمالاً پیش از ۳۰۰ میلادی آیین بودایی را پذیرفتند و سرزمینشان هندی شد. با وجود این پیش از آمدن آیین بودایی عقاید ایران باستان در منطقه مسلط بود. متون بودایی ختن آثار راهیابی عقاید باستانی را به ختن نشان داده‌اند (میرفخرایی ۱۳۸۳ الف: ۱۳-۱۴). از آنجاکه ختن در این دوره پایگاه آیین بودا و به‌ویژه مکتب مه‌ایانه^۲ شد، تمام ادبیات باقی‌مانده حتی اسناد و مدارک غیرمذهبی محتوای بودایی گرفتند زیرا بیشتر آثار از روی متون سنسکریت ترجمه شدند. از این رو بسیاری از واژه‌های هندی وارد زبان ختنی شدند و در بیشتر برگردان‌ها، مترجمان راهکار را در استفاده از وام‌واژه‌ها و اصطلاحات فنی سنسکریت دیدند. تعداد این وام‌واژه‌ها در ختنی نو بیش از ختنی قدیم است زیرا متون ختنی نو چند قرن پس از آشنایی ختنی‌ها با آیین بودا نوشته شده‌اند. روایت‌های ختنی با توجه به وفاداری‌شان نسبت به اصل آثار از ترجمه‌های نزدیک به اصل تا تفسیرهای آزاد در نوسان‌اند. متون منظوم نسبت به متون منثور آزادتر ترجمه شده‌اند (میرفخرایی ۱۳۹۴ ج ۵: ۵۴۱). یکی از آن‌ها ترجمه‌ی نسبتاً آزاد متن بدره‌چریادشنا^۳ است که همراه با متن سنسکریت بودایی آن در این رساله بررسی شده‌است. ترجمه نشان می‌دهد هدف مترجم ختنی صرفاً ترجمه‌ی تحت‌اللفظی نبوده‌است. همین امر سبب شده مترجم گاه متن را بسط دهد.

^۱ Dunhuang

^۲ Mahāyāna

^۳ Bhadracaryādeśanā

۲-۱- تأثیر زبان و فرهنگ ختنی در زبان و فرهنگ ایرانی

بررسی تطبیقی زبان‌ها و فرهنگ‌های باستانی با زبان‌ها و فرهنگ‌های رایج امروزی سبب شناخت همگونی‌های زبانی، همانندی‌های فکری و باورهای مشترک سخنگویان این زبان‌ها است. بنابراین با مطالعه‌ی زبان‌ها و فرهنگ‌های کهن و تطبیق آن با زبان‌ها و فرهنگ‌های بازمانده می‌توان ارتباطها و اختلافها را شناخت و قاعده‌مند کرد.

نمونه‌ای از پیوستگی فرهنگ هند و ایران باستان را می‌توان در اعتقاد به قانون کرمه دید(نک. بندهای 44r2, 48v1, 52v1, 54r3, 55r4, 56v4 و ی. ۷). مکاتب بودایی معتقدند نظام طبیعی عالم در نظام اخلاقی جهان بازتاب دارد و هر کردار و گفتار و اندیشه‌ای واکنشی در بر دارد، یعنی وقتی کاری انجام می‌شود، تولید نیرو می‌کند و به تناسب آنکه این کار نیک یا بد باشد، نتیجه‌ی خوب یا بد به بار می‌آورد(میرفخرایی ۱۳۸۳ الف: ۱۳۰). بازمانده‌ای از این اندیشه در شعرهای فارسی نیز دیده می‌شود:

این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا

(مولانا، دفتر یکم مثنوی، بیت ۲۱۵)

چو شخصی کو به کوهی راز گوید
بدو کوه آن سخن را باز گوید

(نظامی، خسرو و شیرین)

برای مثال‌های بیشتر نک. میرفخرایی ۱۳۸۶: ۶۹۱-۶۹۷.

نمونه‌ی دیگر از این پیوستگی را می‌توان در صفت همه‌آگاهی که به بودا نسبت داده می‌شود یافت (نک. بند 57r1). در این دانش تاری و تیرگی وجود ندارد. دانشی است که با آن می‌توان از آینده و گذشته شناخت پیدا کرد. این دانش در متن‌های فارسی میانه خرد اورمزدی یا خرد همه‌آگاه است که به یاری آن احاطه بر کل امور مادی و معنوی ممکن می‌شود و زوال و سستی در آن راه ندارد. براساس متن‌های ایرانی میانه اورمزد با یاری گرفتن از خرد خود اتفاقات گذشته را می‌بیند و آینده را پیش‌گویی می‌کند. پیش‌گویی رویدادهای پایان جهان که به زردشت گفته می‌شود نیز از همین خرد منشأ می‌یابد.

در این شعر سعدی نیز می‌توان این مفهوم را درک کرد:

یکی پرسید از گم‌کرده فرزند
که ای روشن گهر پیر خردمند
ز مصرش بوی پیراهن شنیدی
چرا در چاه کنعانش ندیدی
بگفت احوال ما برق جهان است
دمی پیدا و دیگر دم نهان است
گهی بر طارم اعلا نشینیم
گهی بر پشت پای خود نبینیم

سر و دست از دو عالم برفشاندی

اگر درویش در حالی بماندی

(سعدی، گلستان، در اخلاق درویشان، حکایت دهم)

برای مثال‌های بیشتر نک. میرفخرایی ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۳۳.

مورد زبانی مهمی که در ختنی دیده می‌شود وجود فعل مضارع و ماضی درجریان (نک. واژه نامه زیر واژه‌ی āna- و ṣṭāna) است که که جای پای آن با تحولی مختصر در گویش بخارایی (گسترده در محدوده‌ی ترکستان و ساحل رود زرافشان) باقی مانده‌است (نک. میرفخرایی ۱۳۸۳ ب: ۵-۱۵).

۳-۱- هدف این پژوهش

در پژوهش حاضر هدف اصلی پرداختن به زبان ختنی، به عنوان یکی از مهم‌ترین زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است، اما از آنجاکه بدون توجه کردن به متن سنسکریت و آیین بودا این هدف درست برآورده نمی‌شود، متن سنسکریت آن ترجمه شده و مفاهیم بودایی تا حد ممکن شرح داده شده‌است. درواقع، با انجام دادن چنین مطالعات و پژوهش‌هایی در زمینه‌ی زبان و فرهنگ ختنی، می‌توان تا حدی به مشترکات فرهنگی ایران و هند باستان نیز پی برد.

۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در آغاز قرن ۲۰ م. متن بدره‌چری بارها بررسی و مطالعه و چندین بار به زبان‌های سنسکریت، تبتی و چینی ترجمه شده‌است (برای آگاهی از تحقیقات به زبان ژاپنی نک. یویاما ۱۹۶۷: ۴۹ و اسکوپن ۲۰۰۵: ۳۰۳-۴ ی. ۹؛ برای ترجمه‌های تبتی نک. تاتز ۱۹۷۷ و فتون ۲۰۰۲؛ برای ترجمه‌ی نسخه‌های چینی نک. کلری ۱۹۹۳: ۱۵۱۱-۱۸). سوشما دوی^۴ نسخه‌های سنسکریت، تبتی و سه نسخه‌ی چینی را با عنوان samantabhadracarya-praṇidānarāja ترجمه کرده‌است (امریک: ۱۹۸۹). واتانابه^۵ (۱۹۱۲)، ایدزومی و سوزوکی^۶ ۱۹۴۹، وایدیا^۷ (۱۹۶۰)، لوپس گمیز^۸ (۱۹۶۷)، توماس کلری (۱۹۹۳)، اسکوپن^۹ (۲۰۰۵)، استو^{۱۰} (۱۹۹۹ و ۲۰۱۰) متن سنسکریت آن را حرف‌نویسی و ترجمه کرده‌اند. آسموسن^{۱۱} نیز (۱۹۶۱) متن ختنی آن را به انگلیسی ترجمه کرده‌است (برای همه‌ی موارد نک. کتابنامه).

^۴ Sushama Devi

^۵ Watanabe

^۶ Hokel Idzumi و D.T. Suzuki

^۷ Vaidya

^۸ Luis Gomez

^۹ Schopen

^{۱۰} Osto

^{۱۱} Asmussen

یکی از مهم ترین منابع در زمینه‌ی اشتقاق واژه‌ها کتاب *Dictionary of Khotan Saka* بیلی (۱۹۷۹) است. جامع ترین کتاب درباره‌ی دستور زبان ختنی *Saka Grammatical Studies* از امریک (۱۹۶۸) است که ماده‌های فعلی با ریشه‌شناسی آن‌ها، صرف فعل، اسم و صفت، پایانه‌های صرف فعل، اسم و صفت در آن آمده‌است.

دو کتاب درآمدی بر زبان ختنی (۱۳۸۳) و *اصل خلأ یا تهیگی بنا بر آموزه‌ی بودا* (۱۳۸۸) به فارسی از مهشید میرفخرایی انتشار یافته‌است.

۱-۵- روش کار

این رساله از یک چکیده، پیشگفتار، مقدمه و پنج بخش تشکیل شده‌است. در مقدمه، درباره‌ی موقعیت ختن، نام ختن، زبان ختنی، خط به کار رفته برای نوشتن متون ختنی، ادبیات و وزن شعر ختنی مختصر توضیح داده شده‌است. در بخش یکم، متن سنسکریت بدره‌چری و متن ختنی بدره‌چریادشنا معرفی شده‌است. در بخش دوم، متن ختنی و سنسکریت آورده شده و در بخش سوم، متن ختنی (پر رنگ) و سنسکریت حرف‌نویسی و به فارسی ترجمه شده‌اند و نکات ریز دستوری و فرهنگی و گاه خوانش‌های مختلف واژه‌ها در زیرنویس آمده‌است. در ترجمه‌ی فارسی متن ختنی، اصل سنسکریت برخی کلمات داده شده و معنی آن‌ها داخل پرانتز آورده شده است. برای بندهای متن ختنی دو نوع شماره گذاری نوشته شده‌است: ۱- شماره‌هایی که بالا و انتهای هر متن آمده نشان‌دهنده‌ی ترتیب بندها در متن حاضر است که جمعاً ۶۹ بند شماره‌گذاری شده‌است. در این میان برخی بندها معادل سنسکریت ندارند که در زیرنویس به آن‌ها اشاره شده‌است؛ ۲- شماره‌هایی که کنار هر متن آمده ادامه‌ی شماره‌های نسخه‌ی P3513 کتابخانه‌ی ملی پاریس است که بدره‌چریادشنا از برگ ۴۳ پشت صفحه بیت یک تا برگ ۵۸ روی صفحه بیت یک (43v1 تا 58r1) را شامل می‌شود. در واژه‌نامه به این نوع شماره‌گذاری ارجاع داده شده‌است. در بخش چهارم، یادداشت‌های مربوط به ترجمه‌ی فارسی متن ختنی و سنسکریت آمده و تا حد امکان مفاهیم اصلی آیین بودا توضیح داده شده‌است. در بخش پنجم، واژه‌نامه، واژه‌های به کار رفته در متن ختنی تجزیه و تحلیل شده و معادل سنسکریت بودایی آن مقابل هر واژه داخل پرانتز داده شده‌است. ترتیب واژه‌ها براساس الفبای سنسکریت است. برای ریشه‌شناسی واژه‌ها، سعی شده صورت‌های ایرانی باستان، اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه، پهلوی اشکانی، سغدی و فارسی نو ذکر شود. از آنجا که متن به زبان ختنی نو است صورت ختنی قدیم واژه نیز داده شده‌است. صفت‌های فاعلی و مفعولی جداگانه آمده و به ریشه‌ی مربوطه ارجاع داده شده‌اند.

۱-۶- نشانه‌ها

فارسی باستان	ف. ب.	اسم	ا.
فارسی میانه	ف. م.	صفت	ص.
سغدی	سغ.	صفت فاعلی	ص. ف.
سغدی بودایی	سغ. ب.	فعل	ف.
سغدی مانوی	سغ. م.	نگاه کنید به	نک.
هندی باستان	ه. ب.	سنسکریت بودایی	B. Skr.
سنسکریت	سن.	واتانابه نک. منابع	W
سنسکریت بودایی	سب.	www.etymonline.com	Ety.
یادداشت	ی.	ختنی قدیم	خ. ق.

Emmerick 1971-73 :SD (Saka Documents) نک.

Emmerick 1968d :SGS (Saka Gramatical Studies) نک.

Emmerick 1995 :SDTV (Saka Documents Text Volume) نک.

Bailey 1968 :SDTV (Saka Documents Text Volume) نک.

Bailey 1960-67 :SD (Saka Documents) نک.

Bailey 1958 :KT (Khotanese Texts) نک.

Bailey 1951 :KBT (Khotanese Buddhist Text) نک.

Bailey 1979 :DKS (Dictionary of Khotan Saka) نک.

SDTVI (Khotanese Manuscripts from Chinese Turkestan in The British Library) نک. Skjærvø 2002

۱-۲- موقعیت ختن

ختن شهری با عرض جغرافیایی $37^{\circ}06'$ شمالی و طول جغرافیایی $79^{\circ}56'$ شرقی است که در جنوب حوزه‌ی رودخانه‌ی تاریم^{۱۲} در ایالت مستقل شین‌جیان^{۱۳} اویغور^{۱۴} چین قرار دارد. ختن روزگاری یکی از مراکز مشهور آیین و فرهنگ بودا بوده‌است. شهر ختن در ناحیه‌ی جنوبی جاده‌ی باستانی ابریشم در ایالت خودمختار جمهوری خلق چین بوده‌است. مرکز آن شهر اورومچی^{۱۵} واقع در شمال صحرای تاكلاماکان^{۱۶} است. امروزه ختن ختن جمعیتی بالغ بر ۷۰۰۰۰ (با احتساب توابع آن ۱۱۵۵۰۰) نفر دارد.^{۱۷} این شهر به‌لحاظ تاریخی سرزمین مهمی بوده که گویشورانی ایرانی‌زبان در آن سکونت داشته‌اند و به سبب موقعیت نسبی، وسعت سرزمین و فراوانی سنگ بشم مشهور بوده است (هولسوی^{۱۸} ۱۹۷۹: 96f).



titus.uni-frankfurt.de/didact/karten/turkstan/turkstg.jpg&imgrefurl

^{۱۲} Tarim

^{۱۳} Xinjiang

^{۱۴} Uyghur

^{۱۵} ürümqi

^{۱۶} Takla Makan

^{۱۷} [http:// archnet.org/library/places/one-place-jsp?place_id=9163order-by=titleandshowdescription=1](http://archnet.org/library/places/one-place-jsp?place_id=9163order-by=titleandshowdescription=1)

^{۱۸} Hulsewé

۲-۲- نام ختن

مردم بومی را در ختنی قدیم hvatana و سرزمینشان را hvatana-ksīra (در ختنی نو: hvam-ksīra) نامیده‌اند. در منابع خروشتی (No. 66I) که در زمان سلطنت «شاه بزرگ ختن، شاه شاهان، فرمانده سپاه، خداوند و بیجیته سیمهه» (khotana maharaya rayatirayahinaza dheva vij'ida simhasya) تاریخ‌گذاری شده‌است، نام سرزمین ختن خوانده شده‌است. نام زبان در ختنی قدیم به صورت hvatanau، hvatāno و hvatano و در ختنی نو به صورت hvanao، hvamno و hvamno آمده‌است. اصطلاح hvatana احتمالاً از hvata- «خود» گرفته شده و به «حکمرانان» خودشان اشاره دارد. در هندی سرزمین ختن gostana خوانده شده‌است که لفظاً «پستان گاو [=زمین]» (تبتی sa-nu پستان زمین) معنی می‌دهد. این نام را کوناله^{۱۹} پسر اشوکه^{۲۰}، بنیانگذار افسانه‌ای ختن، برای این سرزمین به کار برده‌است. نام تبتی ختن لی-لی-یول^{۲۱} «سرزمین لی» بوده که معنی واژه‌ی لی نامشخص است. صورت چینی قدیم آن یوتین^{۲۲} از نام‌های قدیمی Hwa(h)den* و صورت جدید آن hetian است (نک. کوماموتو^{۲۳} ۱۹۸۵: ۱۰۱-۱۴۰ و امریک^{۲۴} ۱۹۹۲). از میان سه مسافری که با ۱۲۰ سال فاصله از ختن دیدن کرده‌اند، فاسیان^{۲۵} توصیف مفصل‌تری درباره‌ی معابد مه‌ایانه و تشریفات بودایی در ختن ارائه کرده‌است (لجه^{۲۶} ۱۸۸۶: ۱۶-۲۰؛ بیل^{۲۷} ۱۸۸۸: ۸-۱۲؛ گیلز^{۲۸} ۱۹۸۶: ۴-۶)، اما اطلاعات تاریخی محدودی درباره‌ی آن دوران در اختیارمان می‌گذارد. سونگ‌یون^{۲۹} یکی از این مسافران (چاونس^{۳۰} ۱۹۰۳: ۷-۳۹۵) درباره‌ی افسانه‌ی گرویدن شاه ختن به آیین بودا اطلاع می‌دهد و می‌نویسد قدرت هیاطله^{۳۱} در غرب سبب تصرف ختن شد. شان‌زانگ^{۳۲} نیز اطلاعاتی درباره‌ی ختن در اختیارمان می‌گذارد (بیل ۱۸۸۴: II: ۲۲-۳۰۹؛ واترز^{۳۳} ۱۹۰۴-۵: ج. ۲: ۲۹۵-۳۰۲). درباره‌ی اشارات او به نام ختن بحث زیادی شده‌است؛ بنابراین گفته‌ی او، نام اصلی سرزمین gostana بوده‌است، اما مردم محلی آن را هونه^{۳۳} (که

^{۱۹} Kuṇāla

^{۲۰} Aśoka

^{۲۱} Li-yul

^{۲۲} Yutian

^{۲۳} Kumamoto

^{۲۴} Emmerick

^{۲۵} Faxian

^{۲۶} Legge

^{۲۷} Beal

^{۲۸} Giles

^{۲۹} Songyun

^{۳۰} Chavannes

^{۳۱} Hephthalites

^{۳۲} Shanzang

^{۳۳} Huanna

نشان‌دهنده‌ی hvamna- ختنی نو در برابر صورت hvatāna- ختنی قدیم است) می‌خواندند. نام مرسوم یوتین در چینی و صورت‌های شبیه آن غیرمعمول است. در نسخه‌ای از سفرنامه‌ها آمده‌است وزیران پسر اشوکه (حدود ۲۷۲-۲۳۱ ق.م) به هند گریختند و ختن را که زمینش مانند پستان برآمده بود بنیان نهادند(پلیو^{۳۴}: ۱۹۵۹: ۴۰۸-۱۸؛ همبیس^{۳۵}: ۱۹۸۶: ۳۷).

۲-۳- زبان ختنی

زبان سکایی از جمله زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است که به دو گویش تمشقی (گویش شمالی) و ختنی (گویش جنوبی) تقسیم می‌شود. ختنی و تمشقی را می‌توان گویش‌های مختلفی از یک زبان دانست. زبان ختنی تنها محدود به ختن نبوده و مناطق وسیع‌تری را شامل می‌شده‌است: از کاشغر تا تمشق واقع در شمال صحرای تاکلاماکان و از کاشغر تا ختن واقع در جنوب این صحرا. تمشقی به لحاظ زبانی کهن‌تر از ختنی است اما به علت کم‌بودن منابع، اطلاعات کمی از آن در دست داریم(تفضلی^{۳۶}: ۱۳۷۸: ۳۶۵). نمی‌توان به‌طور دقیق مشخص کرد که زبان ختنی و تمشقی از چه زمانی در این مناطق گسترده شده‌اند. اما احتمال می‌دهند از نیمه‌ی دوم سده‌ی اول پیش از میلاد در واحه‌های حوزه‌ی تاریم (شمال صحرای تاکلاماکان و جنوب اورومچی) به این دو زبان تکلم می‌شده‌است(ابوالقاسمی^{۳۷}: ۱۳۷۳: ۱۴۱). بیلی^{۳۸} نام تمشقی را برای زبان به‌کار رفته در متون این منطقه برگزیده‌است. او نام ختنی را برای این زبان برگزیده زیرا سکاییان واژه‌ی hvatana را در متونشان به‌کار برده‌اند(امریک^{۳۹}: ۲۰۰۸: ۱۹۸). از تمشقی و مردمانی که به این زبان حرف می‌زدند اطلاعات کمی در دست است زیرا متون باقی مانده از آن بسیار اندک است. اما دست‌نویس‌ها، برگ‌ها و پاره‌برگ‌های زیادی به زبان ختنی باقی مانده‌است.

هر دو گویش تمشقی و ختنی در نگاه اول صرف‌پذیر اند. اسم در ختنی شش حالت (نهادی، رای، بایی/ازی، برایی/اضافه، دری و ندایی)، دو شمار (مفرد و جمع؛ شمار مثنی فقط در چند واژه دیده شده‌است) و سه جنس (مذکر، مؤنث و تعداد کمی خنثی) دارد. ضمائر ختنی عبارت‌اند از شخصی، اشاره، موصولی، مبهم و انعکاسی که هر یک دو شمار مفرد و جمع دارند. اعداد اصلی (-ysāra: هزار و -sata: صد و ...) گاه مانند صفت صرف می‌شوند. اعداد ترتیبی نیز مانند صفت صرف می‌شوند: -haštama: هشتم. ختنی دو ماده‌ی فعلی مضارع و نقلی دارد. از ماده‌ی مضارع وجوه اخباری، التزامی، امری و تمنایی ساخته می‌شود. وجه انشایی کاربرد کمی دارد. از ماده‌ی نقلی فقط وجه اخباری ساخته شده‌است. فعل نقلی (به جز سوم شخص جمع متعدی) جنس (مذکر و مؤنث) را نشان می‌دهد. فعل سه شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص) و سه شمار (مفرد و

^{۳۴} Pelliot

^{۳۵} Hambis

^{۳۶} Bailey

جمع) دارد. باب فعل شامل گذرا و ناگذر است و از فعل ناگذر به جای مجهول استفاده می‌شود (میرفخرزایی ۱۳۸۳ الف: ۴۹-۸۶).^{۳۷}

۲-۴- خط متون ختنی

خط به کار رفته برای نوشتن متون ختنی گونه‌ی هندی شمال غربی را نشان می‌دهد، یعنی صورتی از الفبای هجایی که آن را براهمی (brāhmī: نامی برگرفته از متون هند باستان) می‌نامند. خط براهمی را سکاها از هندی‌ها و هندی‌ها از آرامی‌ها گرفتند. این خط از چپ به راست نوشته می‌شود و خطی هجایی است. چون هجاهای آن برای همخوان‌های ختنی کافی نبوده‌است، دوازده نشانه‌ی جدید و متصل برای آن ابداع کرده‌اند: مثلاً -ys- برای نشان دادن -z- و -js- برای -dz- که نوشتاری پیچیده را ایجاد کرده‌است. (سندر^{۳۸} ۱۹۸۴، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۹: ۱۲-۱۸ برای تاریخ‌گذاری؛ شروو^{۳۹} SDTV VI: lxxii-lxxi).

برای نوشتن ختنی دو گونه خط، رسمی و شکسته، به کار رفته‌است که هر دو صورت تحول یافته‌ی خط براهمی هندی هستند. از گونه‌ی رسمی برای متن‌های ادبی و از گونه‌ی شکسته برای متون دینی و نوشته‌های روزمره استفاده شده‌است. برخی گونه‌های خط براهمی را به دو دسته‌ی «ادبی» و «تجاری» تقسیم می‌کنند و معتقدند گونه‌ی تجاری به نادرست شکسته یا متصل نامگذاری شده است و نباید آن را صورت تحول یافته‌ی گونه‌ی ادبی دانست، زیرا هر دو گونه همزمان به کار می‌رفته‌اند. نوع رسمی را می‌توان در چهار گروه دسته بندی کرد: ۱. براهمی آغازی ترکستان، قرن ۵ تا ۶ م. ۲. براهمی آغازی ترکستان جنوبی، قرن ۶ تا ۷ م. ۳. براهمی

^{۳۷} هر دو گویش ختنی و تمشقی شش حالت (نهادی، رایی، بایی-ازی، برایی-اضافه، دری و ندایی) را برای اسم، صفت و ضمیر دارند. برخی از تفاوت‌های آن‌ها به ترتیب زیر است: ختنی برای حالت‌های صرفی نهادی و اضافه مفرد نشانه‌های -ā- و -ī- و برای اضافه جمع نشانه‌ی -ānu- را استفاده می‌کند. اما تمشقی برای نهادی مفرد -ī-، برای اضافه مفرد -ā-، برای اضافه جمع -anā- و -enu- را دارد. بازمانده‌ی مثنای قدیم در عبارت *duve sate* «دویست» دیده می‌شود. فعل‌ها در وجه اخباری، التزامی و تمنایی به کار می‌روند. بقایای کمی از ماضی ساده در تمشقی دیده می‌شود. اما برای ساخت فعل گذشته در این گویش عمدتاً از صفت مفعولی با فعل «بودن» استفاده می‌شود: *ātā mā*: «آدم» احتمالاً از صورت قدیمی تر **āgatah ahmai*. نمونه‌ای از تفاوت‌های آوایی دو گویش شامل موارد زیر است: پیشوند *-fra* «فرا» در ختنی به صورت *-ha* و در تمشقی به صورت *-ra* به کار رفته‌است. از این رو تفاوت *-hūḍa* «داده‌شده» ختنی و *-rorda* تمشقی از *-fra* قدیم با ریشه‌ی *-bar* «بردن» دیده می‌شود. *-bārza* تمشقی و *balysa* ختنی ترجمه‌ی واژه‌های *tathagāta* و *Buddha* سنسکریت است. ختنی *urmaysdān* «خورشید» با اوستایی *ahura mazdā-* ارتباط دارد. همچنین *-gysata* ختنی و *-jezda* تمشقی همان *-yazata*: «ستودنی» اوستا است. *-phārra* ختنی و *farn* سغدی با *-xvarənah* «فره» اوستایی تطابق دارد. *kavi-* لقب شاهان و مردان آموزش دیده در ختنی به صورت *-kai* و جمع آن *kā* برای *-ārya* «راهبان» و *-rrispūra* «شاهزادگان» به کار رفته‌است (امریک ۱۹۶۸د: ۳۲).

^{۳۸} Sander

^{۳۹} Skjærvø

ترکستان جنوبی متأخر، قرن ۷ تا ۹ م. ۴. براهمی ترکستان جنوبی متأخر، قرن ۱۰ م. (میرفخرایی ۱۳۹۴، ج ۵: ۵۳۵).

۲-۵- ادبیات ختنی

ادبیات ختنی شمار زیادی از نسخه‌ها، صفحات و قطعات مکتوبی را دربر می‌گیرد که از قرن پنجم م. تا قرن دهم م. به زبان ختنی میانه‌ی شرقی نوشته شده‌اند. نسخه‌های خطی منطقه‌ی ختن و غارهای هزار بودا، نزدیک دون‌هوانگ ایالت گانسو^{۴۰}، عمدتاً به‌وسیله‌ی هیئت‌های اکتشافی غربی و ژاپنی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم کشف شد. این اسناد اکنون در کتابخانه‌ها و موزه‌های پاریس، لندن، مونیخ، برلین، برمن، استکهلم، سن پترزبورگ، اورومچی، پکن، لوشون، دهلی نو، کیوتو، واشنگتن دی‌سی، کمبریج، ماساچوست و نیوهون قرار دارند. نسخه‌های ختنی عمدتاً بنا بر سال‌های سلطنتی شاهان محلی ویشه^{۴۱} تاریخ‌گذاری شده‌اند که گاهنگاری آن‌ها هنوز به‌طور دقیق مشخص نیست. متون ختنی در مراحل زبانی مختلفی نوشته شده‌اند و معمولاً به دودسته تقسیم می‌شوند: زبان ختنی قدیم (به‌معنی زبان مقدس بودایی ختنی) و زبان ختنی نو. عمده متون روی کاغذ نوشته شده‌اند، اما تعدادی از آن‌ها روی چوب (بیلی *KTIV*: ۴۱-۵۱ و ۷۲-۱۴۴؛ شروو *SDTV VI*: 557-75)، تعدادی روی نقوش (بیلی *KT III*: ۱۴۸ و *V*: ۲۵۵-۲۶۲؛ امریک ۱۹۶۸، *a* ۱۹۷۴؛ شروو *SDTV VI*: ۵۸۳-۵۸۵) و تعدادی روی کوزه (بیلی *KTV*: ۳۸۳؛ مجی ۲۰۰۱: ۵۳۷-۸؛ شروو *SDTV VI*: ۵۸۴) نوشته شده‌اند. نوشته‌ها معمولاً از نوع *pustaka* (برگ‌های پهن مستطیل‌شکل اند که از نسخه‌های هندی تقلید شده‌اند) یا از نوع طومارهای چینی (شامل یک یا چند صفحه‌ی متصل‌شده به‌هم اند که چند متر درازا دارند) هستند. برای آگاهی درباره‌ی تولید نسخه‌های خطی نک. دوان^{۴۲} ۱۹۹۲: ۱۸-۲۱ و سندر ۱۹۸۸.

۲-۵-۱- متون ادبی

گروهی از نسخه‌های ختنی اسناد ادبی هستند. خاستگاه ادبیات مکتوب با نخستین آثار بودایی ختنی همزمان است، که اولین نسخه‌های آن به خط براهمی آغازی ترکستان نوشته شده و قرن ۵ تا ۶ م. تاریخ‌گذاری می‌شود. (نک. مجی ۲۰۰۴). درواقع، اسناد ادبی شماری از متون غیرآموزه‌ای است که بیشتر به زبان ختنی نو نوشته شده‌است. ترجمه‌ی این متون دشوار است زیرا آگاهی ما از واژه‌های آن‌ها عمدتاً بر متون مذهبی استوار است. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده‌است:

۲-۵-۱-۱- اشعار غنایی ختنی درباره‌ی عشق است، اما بیشتر آن‌ها از بین رفته‌اند. نه شعر غنایی درباره‌ی عشق در پایان طومار اشتائل هولشتاین^{۴۳} وجود دارد که شش برگ تاشده از دون‌هوانگ است و درباره‌ی «آمدن

^{۴۰} gansu

^{۴۱} viśā'

^{۴۲} Duan

^{۴۳} Staël-Holstein

بهار، گل‌ها و پرندگان گوناگون، نغمه‌های رامشگران (māgadha) و عاشقان جوان» صحبت می‌کند(بیلی ۱۹۶۴).

۲-۱-۵-۲- نامه‌ها عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- نامه‌های رسمی که شامل موضوعات متعدّدند- پیام مقامات عالی و مذهبی، گزارش‌ها، اسناد قانونی(پرداخت وجه، قرارداد خرید، مبادلات)، اسناد اقتصادی(ضمانت‌نامه‌ها، رسید کالا) و اسناد اداری(مالیات، رسید غلات، ثبت حق آب) (برای آگاهی از نسخه‌ها نک. مجی ۲۰۰۸)؛ ۲- نامه‌هایی که مسافران برای خانواده، دوستان و معلمان زادگاهشان می‌نوشتند و اغلب به شعر اند(کوماموتو ۱۹۹۱، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶: b۱۹۹۶: ۴-۹۳).

۲-۱-۵-۳- طنز: تنها نمونه طنز شعری فکاهی از ناحیه‌ی دون هوانگ است که شخصی به نام کیمه‌شنی^{۴۴} آن را در ده سطر نوشته‌است (بیلی *KTII*: ۳-۹۲).

۲-۱-۵-۴- ستایش‌نامه‌ها: سه ستایش‌نامه از دون هوانگ به دست آمده که در آن‌ها سه پادشاه ختن از سلسله‌ی ویشه (ویشه‌کرته^{۴۵}، ویشه‌درمه^{۴۶} و ویشه سمگرامه^{۴۷}) و کارهایشان ستوده شده‌است(کوماموتو ۱۹۸۶: ۲۳۵-۳۹ و شروو ۱۹۹۱: ۲۶۹).

۲-۱-۵-۵- متون جغرافیایی: غیر از فهرست بزرگ شهرهای شرق آسیای مرکزی در فهرست اشتائل هولشتاین، تنها متن شناخته شده در زمینه‌ی جغرافیا سفرنامه‌ی مربوط به شاه ابی‌منیوگوپته^{۴۸} (۹۵۸-۹۷۲ م.) است که در آن سفر از گیلگیت^{۴۹} و چیلاس^{۵۰} به کشمیر توصیف شده‌است(ms. Ch. I.0021a.b: بیلی *KTII*: ۵۵-۵۷؛ تصحیح بیلی ۱۹۳۶: با ترجمه و یادداشت؛ بیلی *SDTV I*: ۷۰-۳ با ترجمه و یادداشت *SDII*: lvi- lii؛ شروو *SDTV vii*: ۲۴-۵۲۴ با ترجمه؛ مورگنشتاین^{۵۱} ۱۹۴۲: ۲۶۹-۷۱).

۲-۱-۵-۶- متون پزشکی: در زمینه‌ی متون پزشکی یکی متن *Vyadhiprasāmanaparivarta* است که به اصول پزشکی آیور ودا^{۵۲} شباهت دارد؛ دیگری متن *Jīvakapustaka* است به زبان ختنی قدیم که در آن مجموعه‌ای از داروهای ناشناخته، بیماری‌ها و روش‌های درمانی معرفی شده‌است(امریک ۱۹۷۹: ۲۴۳).

۲-۱-۵-۷- متون دو زبانه: بهترین متن دو زبانه کتابچه‌ی *راهنمای مکالمه* است که کلمات و جملات سنسکریت با معادل‌های ختنی را دربرمی‌گیرد(ms.p.5538b: ۸۷-۹: بیلی *KTIII*: ۱۲۱-۲۴). دیگر متون دو

^{۴۴} kimā-śānā

^{۴۵} viśa' kīrtta

^{۴۶} viśa' dharma

^{۴۷} viśa' samgrāma

^{۴۸} Abhimanyugupta

^{۴۹} Gilgit

^{۵۰} Chilās

^{۵۱} Morgenstierne

^{۵۲} āyurvedic: طب سنتی هند مشتمل بر داروهای گیاهی و روغن‌های مالیدنی.

زبانه مجموعه‌هایی از جملات و واژه‌های چینی-ختنی یا ترکی-ختنی است (mss. ch00271: ۵-۲؛ Or.8212، ۱۶۲، ۱۲-۱؛ p2927: ۴-۲۵ و S5212؛ بیلی *KTH*: ۴۹۱ و *KTHI*: ۱۰۳ و ۱۳۶).

۲-۵-۲- متون مذهبی

این متون دراصل همان متون معروف سنسکریت بودایی‌اند که به ختنی ترجمه شده‌اند و عمدتاً مباحث عبادی و فلسفی را دربر می‌گیرند.^{۵۳}

بیشتر متون ختنی را بیلی در کتاب *Khotanese Texts I-IV (KT)* و نیز در کتاب *Khotanese Buddhist Text (KBT)* تصحیح و بازخوانی کرده‌است. آوانویسی و ترجمه‌ی متن را نیز امریک و وروبوا-دجتووسکا^{۵۴} در کتاب *Saka Documents (SD)VII* و *Saka Documents Text Volume* در مجموعه‌ی سن پترزبورگ منتشر کرده‌اند.

۲-۶- وزن شعر در ختنی

تعداد زیادی از متون ادبیات ختنی به شعر اند. لیمان، کونو و امریک درباره‌ی وزن شعر ختنی مطالعاتی را انجام داده‌اند. اما وزن آن هنوز نامشخص است. نمی‌دانیم آیا وزن شعر ختنی، که عمدتاً از کتاب زمبسته شناخته می‌شود، از الگوی ناشناخته‌ای در وزن شعر هندی پیروی می‌کند یا از الگوی خاص شعر ختنی که هنوز برایمان شناخته شده نیست. لیمان عقیده داشت که وزن شعر ختنی قدیم خاستگاه هندواروپایی دارد و می‌توان آن را با وزن شعر یونانی و دیگر اوزان شعری هندواروپایی تطبیق داد. بنابراین او نتیجه گرفت که وزن شعر ختنی کمی است (شرح کوتاه لیمان ۱۹۳۳-۳۶: xxii-xxxv و کتابنامه‌ی امریک ۱۹۷۳a: ۱۳۸-۱۳۹) نظریه‌ی او نقد شد، زیرا انواع گوناگونی را برای قالب‌های وزن پایه پذیرفته بود و نیز متون را تصحیح کرده بود تا آن‌ها را با قالب‌های فرض شده تطبیق دهد. از این‌رو انواع قالب‌هایی که برای تطبیق دادن با شعر ختنی انتخاب کرده بود رد شد و تصحیح متون او پذیرفته نشد. حتی پسرش هم آن را رد کرد (لیمان ۱۹۷۱: ۴۵۸). کونو بین قالب کمی با پیشینه‌ی هندی و قالب هجایی با تشابهات ممکن در سنت‌های شعری ایرانی (نک. کتابخانه‌ی درسدن

^{۵۳} برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: *bhaiṣajyaguru-vaidūryaprabha- bhadracaryādeśanā, vajracchedikā-sūtra, suvarṇabhāsa-sūtra, sumukha-sūtra, aparimtayuh-sūtra, saddharmapuṇḍarīka-sūtra, rāja-sūtra, samghāta-sūtra*. دو متن *avalokiteśvara* شعر *amitāyuh*، متنی درباره‌ی جزای عمل به نام *karma-vibhanga*؛ داستان‌هایی درباره‌ی اشوکه و کانیشکه (*kaniṣka*)، دوپادشاه باشکوکه بودایی؛ داستان اشوکه و یشه (*yaśa*) و اشوکه و کوناله (*kuṅāla*)؛ داستان‌های جاتکه (*jātaka*)؛ داستان سودنه و منوهره (*manoharā*) در سه نسخه به شعر؛ داستان رامه (*rāma*) و سیتا (*sītā*)؛ کتاب زمبسته (*zambasta*) گلچینی از فلسفه و داستان‌های بودیستوها؛ عروج توشیته (*tuṣita*) و فرود سامکاشیه (*sāṃkāśya*) و نمونه‌ای از درمه‌پده (*dharmapada*) که مربوط به «بیانات اخلاقی» (*subhāṣita*) است (بیلی ۱۹۷۰: ۶۶).

^{۵۴} Vorob'eva-Dejatovskaja